

خیابان «روبرت لازار»، پلاک‌کوبی با لشکری منت‌گذار



خیابان «روبرت لازار»، پلاک‌کوبی با لشکری منت‌گذار

کریسمس و سال نوی میلادی فرصتی برای ماشین تبلیغاتی نظام جمهوری اسلامی است که خود را دوست و پشتیبان جامعه مسیحیان ایران معرفی کند.

۲۵ سال است که از پایان جنگ ایران و عراق می‌گذرد، و اینک چیزی که برجای مانده هزاران خانواده داغ دیده اند که عزیزانشان هرگز به خانه برنگشتند یا اگر آمدند زخم و جراحت و قطع عضو و آثار شیمیایی و موج انفجار را به یادگار با خود آوردند.

همان روزهای دهه‌ی شصت سنت شد که به احترام هر شهید کوی و برزن و یا خیابانی به اسم یکی از آنها پلاک‌کوب شود.

حالا سال‌ها از آن روزگار گذشته، همچنان گاه و بی‌گاه در شهرهای مختلف چند تکه استخوان و خاک به اسم شهید جنگ می‌آورند و آن داغ را تازه نگه می‌دارند تا نسل‌های پس از آن هم بدانند که در دل تاریخ بسر این آب و خاک چه گذشته است.

جامعه مسیحی ایران که در تمام طول سال به باد فراموشی سپرده می‌شود، چند روزی از سال نورچشم جمهوری اسلامی می‌شوند تا تنور تبلیغات نظام را گرم کرده باشند.

کریسمس و سال نوی میلادی فرصتی برای ماشین تبلیغاتی نظام جمهوری اسلامی است که خود را دوست و پشتیبان اقلیت مسیحی معرفی کند.

از رهبر گرفته تا مقامات عالی رتبه دوجین هیات همراه و عکاس و فیلم‌بردار به دنبال خود راه می‌اندازند، تا به دیدار یک پدر و مادر داغ‌دیده ارمنی یا آشوری بروند که جگرگوشه‌شان در جنگ ایران و عراق جان

سپرده و جز قاب عکسی قدیمی و خاطراتی کهنه چیزی از آن به یادگار نمانده است.

دقایقی گفتگو، صدای ممتد فلش‌های دوربین و جماعتی ویژه که به سراغ یک خانواده‌ی مسیحی آمدند تا مثلن بگویند قدر فرزندتان که در راه مام وطن شهید شد را می‌دانیم، اما حقیقت چیست؟

در یکی از همین جلسات مادر «روبرت لازار» تنها آرزویش این بود که نام فرزندش همانند دیگر شهدای جنگ روی کوچه یا خیابانی باشد. او نه پول خواست، نه به دنبال وام و سهم خواهی بود، نه سهمیه و اموالی از کمیته امداد و بنیاد شهدا و جانبازان طلب کرده بود.

فقط از علی خامنه‌ای خواسته حداقل پس از این همه سال نام فرزند او را هم به رسم عدالت پلاک کوب کنند چیزی که در تمام این سال‌ها در سینه‌ی این مادر پیر مانده بود و حتی یک‌بار یک نفر از مقاماتی که امروز جلوی دوربین‌ها قد علم می‌کنند پای درد و دلش ننشسته بودند.

با هر ضرب و زوری که بود به دستور مقامات بالا در روزهای گذشته یکی از خیابان‌های تهران به نام شهید «روبرت لازار» نامگذاری شد.

خبرگزاری‌های حکومتی چنان با منت و افتخار از این واقعه گزارش دادند که گویا دوباره فرزند را به مادرش تحویل دادند.

«یوناتن بت کلیا» نماینده آشوری‌های ایران در مجلس شورای اسلامی، «اسقف بنیامین»، «سید فرید موسوی» نماینده مجلس شورای اسلامی، «اقبال شاکری» رییس کمیته نام گذاری شورای شهر تهران، «مجتبی شاکری» عضو شورای شهر، «شهرام گیل آبادی» رئیس مرکز ارتباطات شهرداری تهران، «نصرالله آبادیان» شهردار منطقه ۱۱ همه‌ی اینها جمع شده بودند تا در کنار مادر و خواهر روبرت پلاک فرزند آنها را رونمایی کنند.

اسقف بنیامین نام گذاری خیابان به نام شهید مسیحی «روبرت لازار» را روزی به یاد ماندنی و تاریخی برای جمعیت آشوری‌های ایران دانست و گفت، «شهداء متعلق به همه کشور هستند و آنچه مهم است وحدت ادیان توحیدی است». اما کسی از او نپرسید اگر شهداء متعلق به همه‌ی کشور است پس چرا آرزوی مادر یک شهید مسیحی تازه پس از ۲۵ سال آنهم در دوره‌ای که همه هیات حاکم برای پر کردن آلبوم عکس خود به سراغ مسیحیان می‌آیند صورت گرفت؟